ه. ل. رابینو

ترجمه از : آقای دکتر باقر امیرخانی

(مانده ازشمارهٔ پیش)

حکام خلافت عربی در طبرستان

هرون، ۸۰۹-۷۸۶/۱۹۳-۱۷۰

۲۴ـ جریر، ۷۸۸-۷۸۷-۷۸۶-۷۸۵/۱۷۱-۱۶۹ سکه‌هایش،[۱] ۱۷۱-۱۷۰-۱۶۹/۱۳۷-۱۳۵).

مسیو والکر بدون داشتن اطلاع کافی نام این شخص را جلوتر ذکر می کند. این حدس برای وی از این جا ناشی می‌شود که یزیدبن مزیاد (شماره ۲۲) را در اثر اشتباه ناشی ازقرائت جریر بن مزیاد خوانده است.

۲۵ـ سلیمان‌بن موسی[۲]، (؟) ۷۸۵-۷۸۴/۱۶۸-۱۶۷ و۷۸۹-۷۸۸-۷۸۸-۷۸۷/۱۷۲-۱۷۱ (سکه‌هایش،[۳] ۱۷۲-۱۷۱/۱۳۷-۱۳۶ و ۱۶۸-۱۶۷/۱۳۳) وی از طرف خلیفه هرون بطبرستان فرستاده شد وهشت ماه درآنجا اقامت کرد. (اسفندیار، ۱۳۲ وظهیر، ۱۶۱).

۲۶ـ معدّ، ۷۹۰-۷۸۹/۱۷۳ و (؟) ۷۸۸-۷۸۷/۱۷۱ (سکه‌هایش،[۴] ۱۷۳/۱۳۸ و۱۷۱/۱۳۶).

۱ـ آلوت دولافوی، ۱۳۵؛ برلن، ۱۳۷-۱۳۵؛ لندن، ۱۳۵، ۱۳۶.

۲ـ ظهیرالدین سلیمان‌بن منصور ثبت‌کرده‌است.

۳ـ آلوت دولافوی، ۱۳۷؛ برلن، ۱۳۶، ۱۳۷؛ لندن ۱۳۷؛ مسکو، ۱۳۳*؛ پاریس، ۱۳۷.

۴ـ Mordtmann، ۱۳۶*؛ لندن، ۱۳۸. بنظر میرسد که وی معذبن مسلم رازی که بسال ۷۸۰-۷۷۹/۱۶۳ حاکم خراسان بوده می‌باشد.

۲۷ـ مقاتل، (؟) ۱۷۱/۷۸۷ـ۷۸۸ و ۱۹۱ـ۷۹۰ـ۷۹۰ـ۱۷۴/۷۸۹ـ۱۷۳ (سکه‌هایش،[۱] ۱۳۹/۱۷۴ و۱۷۳/*۱۳۸ و۱۷۱/*۱۳۶).

۲۸ـ هانی‌بن‌هانی[۲]، ۷۹۰ـ ۷۸۹ ـ ۷۸۹ ـ ۱۷۴/۷۸۸ـ۱۷۳ (سکه‌هایش،[۳] ۱۷۴ـ۱۴۸/۱۷۳ـ۱۳۷. اسفندیار، ۱۳۲ وظهیر، ۱۶۱).

وی جانشین سلیمان بن‌موسی‌شد وحاکمی عادل وملایم‌بود رفتاری دوستانه با وندادهرمزد برقرار کرده آرامش را درطبرستان نگاهداشت).

۲۹ـ عبدالله‌بن قحطبه[٤]، ۷۹۲ـ۷۹۱ـ۷۹۱ـ۱۷۵/۷۹۰ـ۱۷٤ (سکه‌هایش،[٥] ۱۷۶ـ۱۷۵ـ۱۷٤/۱٤۰ـ۱۳۹. اسفندیار، ۱۳۲ وظهیر، ۱۶۱ و بار تولد، ترکستان، ۱۷۲).

بگفتهٔ ابن‌اسفندیار وظهیرالدین وی پس ازهانی‌بن هانی‌بحکومت رسیده‌است. محتملاً پسر یانوهٔ قحطبه‌بن شبیب‌الطائی النقیب است.

۳۰ـ قدید، ۷۹۲ـ۱۷۵/۷۹۱ (سکه‌هایش، ۱۷۶ـ۱۷۵/۱٤۰)[٦].

۳۱ـ ابراهیم، ۷۹۳ـ۷۹۲ـ۷۹۲ـ۱۷٦/۷۹۱ـ۱۷۵ (سکه‌هایش، ۱۷۷ـ۱۷٦ـ۱۷۵/۱٤۱ـ۱٤۰)[۷].

۳۲ـ عثمان‌بن ناهیك (اسفندیار، ۱۳۲).

۱ـ آلوت دولافوی، ۱۳۹؛ برلن ۱۳۹؛ استانبول، ۱۳۸ (قرائت مغلوط)؛ مسکو، *۱۳٦.

۲ـ بروون اشتباهاً هادی‌بن هانی ذکر کرده است.

۳ـ آلوت دولافوی، ۱۳۷، ۱۳۸؛ برلن ۱۳۷؛ لندن، ۱۳۷، ۱۳۸؛ پاریس ۱۳۷.

٤ـ عبدالله‌بن حمیدبن قحطبه پس از مرگ پدرش (۷۷٦ـ۱۵۹/۷۷۵) مدت پنجماه درخراسان حکومت‌کرد: رك: بارتولد، ترکستان، ۱۷۲.

٥ـ آلوت دولافوی، ۱٤۰؛ برلن، ۱٤۰؛ استانبول، ۱۳۹؛ لندن ۱۳۹.

٦ـ رك: زامباور. دکتر Unvala سکه‌ای مربوط بسال ۱٤۰ داشته است.

۷ـ استانبول، ۱٤۰، ۱٤۱.

وی جانشین عبدالله‌بن قحطبه شد ومسجد بزرگ ساری را بنا نهاد. ظهیرالدین نامی ازوی نمی‌برد .

۳۳ــ سعیدبن سلمهٔ باهلی[1]، ۱۸۶/۷۹۲ــ۷۹۳ (اسفندیار، ۱۳۲، ۲۷۶ وظهیر، ۱۶۱) .

وی جانشین عثمان‌بن ناهیك بوده شش ماه حکومت کرد. نوهٔ قتیبة‌بن مسلم فرمانده مشهور که لشکرکشی بنی‌امیه را در آسیای مرکزی بعهده داشت‌می‌باشد بدین‌جهت درمیان اعراب مردی اصیل وبزرگوار محسوب می‌شد[2] .

۳۴ــ عبدالله‌بن عبدالعزیز حمال[3]، ۱۷۶/۷۹۲ــ۷۹۳ (اسفندیار، ۱۲۸(؟)، ۱۳۲، ۲۷۶ وظهیر، ۲۶۱) .

وی جانشین حاکم قبلی شده فقط دو ماه در طبرستان ماند و مثنّی‌بن‌الحجاج بجای او نشست .

۳۵ــ مثنّی‌بن‌الحجاج‌بن قتیبة‌بن مسلم، ۱۷۶ــ۱۷۸/۷۹۲ــ۷۹۳ــ۷۹۴ــ۷۹۵ (طبری، ۳، ۶۱۳ واسفندیار، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۲، ۲۷۶ وظهیر، ۱۶۱) .

وی عموزادهٔ حاکم شماره ۳۳ می‌باشد . بگفتهٔ طبری بسال ۱۷۶/۷۹۲ــ۷۹۳ حاکم طبرستان شد. اسفندیار می‌نویسد که او یکسال وچهارماه حکومت کرد و در سال ۱۷۹/۷۹۵ــ۷۹۶ عبدالملك‌بن قعقاع جانشین او شد .

۳۶ــ عبدالملك‌بن قعقاع، ۱۷۹/۷۹۵ــ۷۹۶ (اسفندیار، ۲۷۶ وظهیر، ۱۶۱).
وی یکسال حکومت کرده حصارهای آمل و ساری را تعمیر کرد. مدتی بعد

۱ــ طبری (فهرست اعلام) سلم وظهیر مسلم قید کرده است .

۲ــ رك : دائرةالمعارف، ۲، ۱۲۳۲ .

۳ــ ابن‌اسفندیار (ترجمهٔ ا. گ. براون) می‌گوید که حمال وعبدالله پسران‌عبدالعزیز بجانشینی سعیدبن سلمه حاکم طبرستان شدند ولی ظهیرالدین بصراحت‌میگوید که : «ازپسران عبدالعزیز حمال عبدالله را فرستادند» .

این حصارها را مازیار خراب کرد.

۳۷ـ فضل بن یحیی[1]، ۷۹۷ـ۷۹۶ـ۱۸۰ (طبری، ۳، ۶۲۹ و ۶۴۵).

وی نوهٔ حاکم شماره ۱۳ می‌باشد. درسال ۷۹۷ـ۷۹۶/۱۸۰ از حکومت طبرستان معزول شده عبدالله بن خازم بجای وی نشست.

۳۸ـ عبدالله بن خازم. (طبری، ۳، ۶۴۵ واسفندیار، ۱۳۲، ۱۳۳ وظهیر، ۱۶۱).

نوهٔ حاکم شماره ۱۰. ساکنین رویان سلام مشهور به سیاه‌مرد را که نمایندهٔ او بود رانده بادیالمه متحد شدند. آنان بشدت تنبیه شده متعاقب آن اعدام‌هائی بوقوع پیوست و سعیدآباد گرفته شد. اهالی قتل عام واین قریه خراب گردید. بالاخره هرون حاکم را احضار ومحمد بن یحیی برمکی و برادرش موسی را بجای او بر گماشت. عبدالله بن خازم قصری در آمل بساخت و بیکی ازمحلات این شهر نام خازم کوی گذاشت.

۳۹ و ۳۹ مکرر ـ محمد بن یحیی[2] و برادرش موسی ۸۰۳ـ۷۹۸ـ۷۹۷/۱۸۷ـ ۱۸۱ (اسفندیار، ۱۳۳).

برادران حاکم شماره ۳۷. این دونفر حاکم جباری بوده اموال رعایا را ضبط وبخواهش شهوت خودشان زنان زیبا را بزور تصاحب می کردند محتملا پس ازمرگ جعفر برمکی (صفر ۱۸۷/ژانویه ۸۰۳) معزول شدند.

محمد (بن یحیی) بن خالد هنگام حکومت خود در این ایالت درمامطیر یك بازار وابنیهٔ دیگری بساخت. مازیار بن قارن مسجدی بآنها اضافه کرد.[3]

۱ـ ازسال ۱۷۶ تا ۷۹۷ـ۷۹۶ـ۷۹۳ـ۷۹۲/۱۸۰ فضل بن یحیی سرپرستی حکومت جبل وطبرستان ونواحی دماوندوقومس را دردست داشت (رك: دائرةالمعارف، ۱، ۶۸۲ و ۲، ۳۹). بگفته یعقوبی (۱۰۳، ۱۰۶، ۱۳۳) فضل بن یحیی از طرف هرون حاکم خراسان بود ودر ۷۹۶ـ۷۹۴/۱۷۹ احضار شد.

۲ـ رك: دائرةالمعارف،، ۱، ۶۸۲.

۳ـ رك: اسفندیار، ۲۸. تاریخ ۷۷۷ـ۷۷۶/۱۶۰ که بعنوان سنهٔ بنای این مسجد بدست مازیار بن قارن (متوفی درسال ۸۳۹ـ۸۳۸/۲۲۴) قید شده اشتباه است.

۴۰ـ یحیی بن یحیی (اسفندیار، ۱۷) .

امیر یحیی بن یحیی زمان خلافت هرون مسجد ساری را بساخت. محتملا این شخص یکی ازحکام محلی برمکی درطبرستان می باشد .

۴۱ـ جهضم بن حباب، (اسفندیار، ۱۴۰) .

پس از سقوط برامکه وی حاکم طبرستان شد .

۴۲ـ خلیفة بن سعد (یا سعید) بن هارون الجوهری ، ۸۰۱ـ۸۰۰/۱۸۵ـ۱۸۴ (اسفندیار، ۱۴۰) .

جانشین جهضم بن حباب. عموزاده اش نافع جانشین او در ساری و مهرویه[۱] جانشینش درآمل هردو بدست رعایا بقتل رسیدند. چون خلیفه آگاه شد که خزینه غارت نشده است گفت: «رعایا برعلیه من شورشی نکرده اند بلکه برعلیه یك حاکم جبار شوریده اند» و عبدالله بن سعید الحرشی را بطبرستان فرستاد . وی باشکوه و جلال عظیمی استقبال شد.

۴۳ـ عبدالله بن سعید الحرشی[۲]، ۸۰۲/۱۶۸ (طبری، ۳، ۶۵۰ واسفندیار، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۲۷۶، ۲۷۷) .

وی چهار ماه درطبرستان حکومت کرده اشخاصی را که مسؤول قتل مهرویه بودند توقیف کرد. دراین زمان هرون تا قریهٔ ارنبو درماوراء ری پیشرفته بود چون ونداد هرمزد را رسماً احضار کرد وی خودرا بپیش خلیفه رساند. خلیفه مایل بود که اراضئی چند درطبرستان خریداری کند و ونداد هرمزد به فروش آنها تمایلی نشان نداد ولی آنها را بعنوان هدیه به مأمون پسر هرون بخشید[۳]. خلیفه ازو نداد هرمزد خواست که ازعنایات وی برخوردار شود و ونداد هرمزد خواهش کرد که عبدالله بن سعید را که احضار شده بود به بیند. این خواهش او پذیرفته شود .

۱ـ بگفتهٔ طبری (۲، ۶۴۹، ۶۵۰) مهرویه رازی در ۸۰۱ـ۸۰۰/۱۸۴ حاکم طبرستان شد. وی بدست اهالی در ۸۰۱/۱۸۵ بقتل رسیده عبدالله بن سعید الحرشی بجای وی تعیین شد.

۲ـ بروون الجَریشی والجُریشی ضبط کرده است .

۳ـ از این مدت ببعد این اراضی را مأمونی خواندند .

٤٤ـ عبدالله بن ملك ۸۰۹ـ۸۰۸/۱۹۳ (اسفندیار، ۱٤۳ وظهیر، ۲۷۲) .

هرون تقریباً یکماه قبل ازمرگ خود (۳ جمادی‌الاخر ۲٤/۱۹۳ مارس ۸۰۹) تمام طبرستان را باستثنای کوهستانات که درنظارت شروین وونداد هرمزد گذاشت به عبدالله بن ملك واگذار کرد .

امین ۸۱۳ـ۸۰۸/۱۹۸ـ۱۹۳

٤٥ـ فضل بن سهل ذوالریاستین[۱]، ۸۱۳ـ۸۱۲/۱۹۷ (سکه‌هایش، ۱٦۱/۱۹۷)[۲].

پس از آنکه امپراطوری خلافت [عباسی] را هرون بین دو پسرش امین ومأمون تقسیم کرد مأمون درایالات شرقی ایران قدرت تام پیدا کرد وهمین مسأله ثابت میکند چگونه طبرستان بمقرب او فضل بن سهل که در ۸۱۱ـ۸۱۰/۱۹۵ حاکم ایالات شرقی ایران شده بود واگذار گردید .

فضل بن سهل که مدتی بعد وزیر مأمون شده بود در ۸۱۸ـ۸۱۷/۲۰۲ درحمامش بسرخس بقتل رسید[۳].

مأمون ۸۳۳ـ۸۱۳/۲۱۸ـ۱۹۸

٤٦ـ عبدالله بن خردادبه، ۸۱۸ـ۸۱۷/۲۰۲ (طبری، ۳، ۱۰۱٤) .

وی پدر ابن خردادبه جغرافی‌دان است ودر ۸۱۸ـ۸۱۷ـ۲۰۲ حاکم شد .

٤۷ـ محمدبن خالد، ۸۲۳ـ۸۲۲ـ۸۲۲ـ۸۲۱/۲۰۷ـ۲۰٦ (اسفندیار، ۱٤۷،۲۸).

این حاکم فرمانی ازمأمون مبنی به تصاحب کوهستانات تحت حکومت خود از شاپور بن شروین دریافت کرد . چون قدرت کافی برای این امر نداشت خلیفه

۱ـ رك: دائرة‌المعارف ۱، ۳۹، بگفتهٔ ظهیرالدین(صفحهٔ ۱۵٦) فضل بن سهل ذوالریاستین در زمان خازم بن خزیمه فرمانده یك دستهٔ پانصدنفری درچالوس بوده است .

۲ـ رك: Tiesenhausen. Zap. Vost. otd. arch. Obsch, IX, ۲۲٤ واسمر، دائرة‌المعارف. ، ۳، ٤۹۱ .

۳ـ رك: یعقوبی، ۱۳٦ .

مازیار بن قارن قارنوندرا برای تصرف کوهستانات وموسی بن حفص را برای اشغال جلگه بفرستاد .

۴۸ـ موسی بن حفص[1] ؛ ۸۲۷ـ۸۲۶ـ۸۲۳ـ۸۲۲/۲۱۱ـ۲۰۷(طبری، ۳، ۱۰۶٦، ۱۰۹۸ واسفندیار، ۱۴۸ ویعقوبی، ۳٦) .

وی نوهٔ حاکم شماره ۱۴ می‌باشد. چهارسال حاکم جلگه شده پس ازمرگش پسرش بجای وی نشست .

۴۸ـ مکرر، مازیار بن قارن قارنوند ، ۸۳۹ـ۸۳۸ـ۸۲۳ـ۸۲۲/۲۲۴ـ۲۰۷ (رك ؛ مجله آسیائی، سال ۱۹۳٦، ۴۰۸، ۴۰۹ وطبری، ۳، ۱۳۰۰ـ۱۲٦۸) .

مازیار که در ۸۲۳ـ۸۲۲/۲۰۷ حاکم کوهستانات طبرستان‌شد ازناحیهٔ محمد بن‌حفص‌پسر وجانشین‌موسی بن حفص آسوده‌شده‌بدون صدمه و آزار درکوهستانات و جلگه حکومت کرد . مدتی بعد آمل را محاصره حصارهای آنجا و ساری را خراب کرد. هرون‌بعلت این جریانات به‌محمدبن‌موسی غضبناك شده در سال ۸۳۲ـ۸۳۱/۲۱٦ تمام ایالت را به‌مازیار تفویض کرد. مازیار نیز محمدبن موسی وبرادرش را بزندان انداخت .

۱ـ طبری (۳، ۱۰۹٦) ازمحمدبن حفص‌الثقفی‌الطائی بعنوان‌یکی‌ازمشهورترین قدرتها درحوادث طبرستان زمان مازیار نام می‌برد. بدون‌شك این شخص یکنفر ازنسل موسی‌بن‌حفص می‌باشد .

۲ـ یعقوبی (صفحهٔ ۸۱) عبارت‌زیررا قیدکرده‌است: «طبرستان‌کشوریست‌مستقل‌مرکز یك قلمرو حکومت مهم‌که هنوز هم حاکم آن عنوان اسپهبد دارد. این قلمرو حکومت مازیار بود که وی‌نامه‌هایش‌را این‌طور بخلفا بخصوص‌به‌مأمون ومعتصم آغاز می‌کرد : « ازگیل‌گیلان اسپهبد خراسان (این اشتباه نساخ است باید طبرستان خواند) مازیار محمدبن قارن متحد امیرالمؤمنین»، زیرا وی «غلام» امیرالمؤمنین نمی‌نوشت. بگفتهٔ طبری مأمون نامه‌هایش را به مازیار چنین می‌نوشت : «به‌گیل‌گیلان اسپهبد اسپهبدان بشوار خورشید محمدبن قارن، مولی امیرالمؤمنین» .

معتصم، ۸۴۱-۸۳۳/۲۲۷-۲۱۸

۴۸ـ مکرر، (در ذیل). مازیار بن قارن قارنوند.

خلیفه معتصم که دراین‌اثنا جانشین مأمون‌شده بود به‌عبدالله‌بن طاهر فرمان‌داد که طبرستان را اشغال کرده بمازیار دست یابد.

مازیار دراثر خیانت برادرش کوهیار[1] به‌پیش حسن‌بن‌حسین بن مصعب یکی ازسرلشکران عبدالله‌بن‌طاهر رفته‌ازآنجابه‌بغدادفرستاده‌شدودر ۲۲۴/۸۳۹ بقتل‌رسید.

۴۹ـ محمدبن‌موسی[2]، ۸۳۲-۸۳۱-۸۲۷-۸۲۶/۲۱۶-۲۱۱(طبری،۳، ۱۰۹۸، ۱۲۸۴ واسفندیار، ۷۳، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۰-۱۵۷ وظهیر، ۱۶۴-۱۶۲).

پسر وجانشین حاکم شماره ۴۸. مازیار باو هیچ‌اعتنائی‌نکرده بمحض‌اینکه در۸۳۲-۸۳۱/۲۱۶ فرمانروای تمام طبرستان شد وی را بابرادرش بزندان انداخت.

۴۹ـ مکرر، بنداربن‌مونی ۸۳۹-۸۳۸/۲۲۴ (اسفندیار، ۱۵۶ وظهیر، ۲۷۵، ۳۲۶).

پس ازمرگ مازیار کوهستانات تحت نظارت موسی پسر مونی درآمد.

ب ـ حکام طاهریان

در سال ۸۱۱/۱۹۴ طاهر پسر حسین‌بن مصعب حاکم بوشنك واقعه در ایالت هرات بود. هنگامی که مأمون بابرادرش امین نبرد می‌کرد وی فرمانده سپاهیان مأمون شد وهمین تاریخ آغاز اقبال طاهریان می‌باشد. پس از جلوس مأمون طاهر[3]

۱ـ کوهیار بعنوان خائن بدست عموزاده‌اش شهریاربن‌المصمغان که در خدمت مازیار فرماندهی دیالمه را بعهده داشت بقتل رسید.

رك: دائرة‌المعارف، ۳، ۴۹۰.

۲ـ مخارج روزانهٔ مطبخ سرای محمدبن موسی هزار درهم بود. وی هزار نفر زائر را بخرج شخصی خود بمکه فرستاده آنها را بطور مطبوع غذا می‌دادند چنانکه درمیان‌صحرا آنها ازماهی‌های تازه وشاهی‌آبی طبرستان استفاده می‌کردند (اسفندیار، ۷۳).

۳ـ رك: دائرة‌المعارف، ٤، ٦٤١.

حاکم نظامی بغداد و مدیر اموال سواد وعراق شده مدتی بعد خراسان باو واگذارشد ومدت پنجاه وپنج سال این پست در دست وی وجانشینان او باقی ماند . فهرستی که در آخر ضمیمه می‌شود فهرست Rothstein[1] را تکمیل و اهمیت این خانواده را نشان می‌دهد[2].

۵۰ـ حسن بن حسین بن مصعب، ۸۴۳ـ۸۴۰/۲۲۸ـ۲۲۵ (طبری، ۳، ۱۲۷۶ و اسفندیار، ۱۵٤، ۱۵٦، ۱۵۷ وظهیر، ۱٦٤، ۲۷۵، ۳۲۵) .

پس ازمرگ مازیار ، حسن بن حسین عموی عبدالله بن طاهر[3] حاکم طبرستان گردید و مدت سه‌سال وچهارماه و ده روز با عدالت حکومت کرد . وی در ذی‌حجهٔ ۲۲۸/ سپتامبر ۸٤۳ درگذشت .

۵۱ـ طاهر بن عبدالله بن طاهر، ۸٤٤ـ۸٤۳/۲۳۰ـ۲۲۸ (طبری، ۳، ۱۲۸۲ـ ۱۲۷۹ واسفندیار، ۱۵۷، ۱۸۰، ۱۸۱ وظهیر، ۱٦۸، ۲۷۵، ۳۲٦) .

نوهٔ برادر حاکم شماره ۵۰. وی جانشین حسن بن حسین شده مدت یکسال و سه‌ماه دراین ناحیه حکومت کرد[4]. پس ازاطلاع ازمرگ پدر خودعبدالله (۱۱ربیع‌ـ الاول ۲۳۰/۲۰ نوامبر ۸٤٤) وی برای بدست آوردن مسند خود بخراسان رفته برادرش محمدبن عبدالله را درطبرستان جانشین خود کرد .

۵۲ـ محمدبن عبدالله، ۸۵۱ـ۸٤٤/۲۳۷ـ۲۳۰ (دائرةالمعارف. ، ۳، ۷۱۱ و اسفندیار، ۲۹، ۱۵۷، ۱٦۱، ۱٦۹، ۱۸۱ وظهیر، ۱٦۸، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۹۰، ۳۲٦).

۱ـ G. Rothstein, zu aš-Šābuštī, s Bericht über die Tāhiriden. Orientalischen Studien. Theodor Noldeke. Cieszen. 1906.P. 158.

۲ـ رك: دائرةالمعارف.، ٤، ٦٤٥ـ٦٤٤ .

۳ـ رك: دائرةالمعارف.، ۱، ۳۲ .

٤ـ رك: اسفندیار، ۱۵۷ وظهیر، ۱٦۸. باوجود این ظهیرالدین درجای دیگر (صفحهٔ ۲۷۵ و۳۲٦) می‌گوید که وی دوسال حکومت کرد .

۵ـ رك: اسفندیار، ۱۵۷ .

برادر حاکم شماره ۵۱. وی هفت سال حاکم شد. عطاب بن ورقاالشیبانی ویرا معاونت کرد[5]. درصفر ۲۳۷/اوت ۸۵۱ محمدبن عبدالله ببغداد رفت.

۵۳ـ سلیمان بن عبدالله، ۵ـ۸۵۴ـ ۸۵۱/۲۴۰ـ۲۳۷ (دائرةالمعارف، ۳، ۷۱۱ و طبری، ۳، ۱۵۲٤، ۱۹۳۷ واسفندیار، ۱۵۷، ۱۷۳ـ۱٦٤، ۱۷۷ وظهیر، ۵۳، ۱٦۸: ۲۷۵، ۲۸۹،۲۸۵، ۳۲٦).

برادر حاکم شماره ۵۱ و۵۲. وی جانشین محمدبن عبدالله است وباهوشیاری ورزانت اول مدت دو یا سه‌سال[1] بعد برای دومین‌بار که جمعاً سیزده‌سال بود حکومت کرد[2]. در ۸۵۵ـ۸۵٤/۲٤۰ یك منشی مروزی بنام منصوربن یحیی را بوزارت خود برگماشت. این وزیر بدعت‌های ناگواری گذاشته برشوه‌خواری پرداخت تا اینکه طاهربن عبدالله ویرا معزول و محمدبن موسی‌بن عبدالرحمن بجای او بوزارت تعیین شد[3].

۵٤ـ محمدبن‌عیسی، ۸۵۵ـ۸۵٤/۲٤۰ (اسفندیار، ۱۵۷).

وی درطبرستان بنمایندگی طاهریان حکومت کرده سلیمان‌بن‌عبدالله‌جانشین او شد[4].

۵۵ـ سلیمان بن عبدالله‌بن طاهر، ۸٦٦ـ۸۵۵ـ۸۵٤/۲۵۲ـ۲٤۰ (رك: حاکم شماره ۵٤).

۱ـ رك: ظهیر، ۳۲٦ واسفندیار، ۱۵۷.

۲ـ رك: ظهیر، ۲۷٦.

۳ـ رك: اسفندیار، ۱۵۷.

٤ـ دریك تاریخ‌نامعین بین ۱٤ ذی‌قعده ۱۹/۲۵۰ دسامبر ۸٦٤و۸ ذی‌حجه ۱۰/۲۵۰ ژانویهٔ ۸٦۵ محمدبن عیسی‌بن عبدالحمید نامی که یکی از طرفداران حسن‌بن زید بود در نبردی باسلیمان‌بن‌عبدالله درکمنو درنزدیکی آمل کشته شد. نمی‌توان گفت وی محمدبن عیسی که ده‌سال قبل حاکم طبرستان شده بود باشدکه شاید باسلیمان‌بن عبدالله میانه‌اش بهم خورده‌بود.

وی ابتدا قریس[۱] بعد اسدبن جندان[۲] و بالاخره محمدبن عوس بلخی[۳] را بنمایندگی خود انتخاب کرد. محمدبن عوس رویان وچالوس را متحد کرده پسرش احمد را[٤] که حاکم چالوس و کلار بود درچالوس مستقر کرد. ظلم وستم محمدبن عوس بجائی رسید که اشخاصی که می‌توانستند خانه‌هایشان را فروختند و یاترك کرده بجاهای دیگر رفتند[٥]. هرسال سه‌بار مالیات گرفته‌می‌شد. یك‌بار بوسیله خودش ویك‌بار بدست پسرش و بار دیگر توسط یك مؤبد که مأمور و عامل آنها بود.

چون رعایا ازاین ظلم وستم بستوه آمدند ساکنین رویان حسن‌بن‌یزید علوی را به‌نزد خود خواسته با او پیمان وفاداری بستند. علوی خود را برویان رسانده طرفدارانش را دورخود جمع کرد وچندین بار محمدبن عوس را شکست داده در ۲۳ شوال ۲۹/۲۵۰ نوامبر ۸٦٤ به آمل وارد شده عدۀ کثیری از رقبای خود را. درآنجا قتل‌عام کرد. سپس بسراغ سلیمان‌بن‌عبدالله رفته او را نیزشکست‌داده وارد ساری‌شد. سلیمان به‌استراباد فرار کرد وسپس سپاهی جدید فراهم آورده تاآمل پیش‌آمد واز آنجا راه خود را تعقیب و تاپای دشت بیامد. آنجا حسن بن زید و متحدینش علویان وی را درنبردی خونین شکست دادند. اسدبن جندان که یکی ازفرماندهان

۱ــ رك: اسفندیار، ۱۵۷.

۲ــ رك: اسفندیار، ۱۵۷، ۱٦٦، ۱٦۷، ۱٦۹ وظهیر ۲۸۵.

۳ــ رك: اسفندیار، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱٦۵-۱٦۲، ۱٦۸ و ظهیر، ۵۳، ۲٦۸، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸٦.

٤ــ رك: اسفندیار، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱٦۸ وظهیر، ۲٦۸، ۲۸٦.

۵ــ خلیفه به‌محمدبن طاهر حاکم نظامی بغداد قلمروهای مخصوصی را که وی قبلا دررویان وچالوس در سرحد طبرستان ودیلم داشت داده بود. بشاربن هرون یا جابربن هرون مسیحی نمایندۀ محمدبن عبدالله نیز تمام اراضی مربوط بدهستان را که باراضی محمدبن طاهر متصل وچراگاه‌حیوانات‌ساکنین‌قصبه‌های‌مجاورمحسوب می‌شد تصاحب کرده بود. این‌تجاوز به‌حقوق‌مردم شورش عمومی را ببار آورده علویان در رأس این شوارش قرارگرفتند تادر ۸٦٤/۲۵۰ حسن بن زید فرمانروای این ایالت گردید (طبری، ۳، ۱۵۲٦-۱۵۲٤).

طاهریان بوددرمیان کشتگان دیده‌می‌شد. سلیمان به‌استراباد عقب‌نشینی کرده‌از برادرش محمدبن عبدالله که درخراسان بود نیروهائی گرفته مجدداً بطبرستان تاخت ودرقصر خود درساری مستقر شد. در ۱۸ ذی‌حجه ۱۰/۲۵۰ ژانویه ۸۶۵ سلیمان دردو آب در نزدیکی ساری شکست خورده خانوادهٔ خود را ترك کرد وتوانست به‌استرابادبرود. از آنجا نامه‌ای به‌حسن بن زید نوشت که خانوادهٔ او را پیش او بفرستد. حسن‌بن‌زید آنها را بااحترام بسوی او بفرستاد.

بالاخره درسال ۲۵۲/۸۶۶ سلیمان کاملا طبرستان‌را ترك کرده بخراسان‌رفت. مرگ مازیار ضربهٔ مهلکی بمذهب باستانی در کوهستانات وارد آورد درحالیکه‌اسلام دراین موقع درجلگه‌ها مورد قبول واقع شده‌بود.

علویان درتمام این ناحیه بجز رستمدار برای وارد کردن تشیع باهیچگونه اشکال ومقاومت مذهبی مواجه نشدند. آنان مدت هفتاد و پنج سال در طبرستان و گرگان حکومت کردند باوجود این حکام ابتدا ازطرف معتز وبعد بوسیلهٔ صفاریان وسپس بدست طاهریان بالاخره بوسیلهٔ‌سامانیان تعیین‌می‌شدند ولی این حکام قدرت‌خود را بزحمت اجرا می کردند. علویان علیرغم همهٔ این مسائل توانستند دراین ایالت موقعیت خود را حفظ کنندومقاومت آنها باعث تشجیع یك روح‌ملی گردید کمه‌مدتی بعد پس ازتسلط آل‌زیار وآل‌بویه قدرت را بدست اعقاب سلسله‌های باستانی محلی یعنی باوندیان وپادوسبانیان داد.

علیرغم اشغال متناوب وجزئی این ایالت بوسیلهٔ دستجات بیگانه بدین‌ناحیه (غزنویان، سلجوقیان، خوارزمیان ومغولها) و تعیین و همچنین حضور حکام مستقل یانمایندگان‌تیولداران، باوندیان تا ۱۳۵۰-۱۳۴۹/۷۵۰ درناحیهٔ شرقی طبرستان و پادوسبانیان در قسمت غربی یا رستمدار با استقلال کامل جز پرداخت یك مالیات حکومت کردند.

دراین سال حکومت باوندیان بآخر رسید وچند سال بعد سادات مرعشی جای آنها را گرفتند. تیمور درسال ۷۹۵/۱۳۹۳ این سادات را رانده بود وپس از جلوس شاهرخ (۸۰۷/۱٤۰۵) دوباره قدرت را بدست گرفتند ولی در تاریخ عمومی ایران هیچ رلی بازی نکردند. شاه‌عباس اول صفوی در آغاز قرن ۱۱/آخر ۱۷ توانست بدون‌هیچ اشکالی آنان وشاهزادگان‌پادوسبانی را منکوب کرده‌بطور قطعی‌مازندران ورستمدار را به‌امپراطوری ایران ضمیمه کند.

معتز ۸٦۹-۸٦٥/۲٥٥-۲٥۱

٥٦ـ مفلح، ۲٥۸ـ۲٥٥/۸٦۹ (اسفندیار، ۱۷۹، ۱۸۰ و طبری، ۳، ۱۷۳۸ـ۱۷۳٦، ۱۸٤۲، ۱۸۷۳).

معتز، مفلح وموسی‌بن بغا را بجنگ حسن‌بن‌زیدفرستاد. آنان ازراه گرگان وارد طبرستان شده مفلح باطلایه لشکر در نزدیکی ساری حسن‌را شکست‌داد وتا آمل پیشرفته تا ماه جمادی‌الاخر ۲٥٥/مه‌ژوئن۸٦۹ درآنجا بماند سپس‌راه خودرابسوی چالوس پیش گرفته درعمرآباد متوقف شد. وضع حسن‌بن زید که از طرفداران خود وهمچنین متحدینش علویان دور افتاده بود بایأس توأم بوده اما در این موقع مفلح از موسی‌بن بغافرمان مراجعت بدون مهلت دریافت و شب و روز مسافرت کرد. به محض رسیدن به گرگان آگاه شدکه معتز گرگان را به احمدبن محمدالسکنی تفویض کرده‌است مفلح‌وموسی‌بن بغا دربن‌موقع به‌عراق مراجعت کردند.

صفاریان ـ یعقوب‌بن‌لیث، ۸۷۳-۸۷٤/۲٦۰

٥۷ـ یعقوب‌بن‌لیث[1]، ۸۷۷ـ۸۷٦ـ۸٤۷/۲٦۳ـ۲٦۰ (اسفندیار ۱۸۲ـ۱۸۰ و ظهیر، ۲۹۲ـ۲۹۰ وطبری، ۳، ۱۸۸٦ـ۱۸۸۳).

۱ـ رك: دائرةالمعارف، ٤، ٥۷.

احمدبن محمدالسکنی[۱] در ۸۶۹/۲۵۵ حاکم گرگان شد پس از آنکه حسن بن زید باو قول داد که بوعدهٔ خود عمل خواهد کرد بدو دست بیعت داد. مدتی بعد که یعقوب بن لیث خراسان و نیشابور را متصرف شد حکومت گرگان و استرابادرا بهاحمدبن محمدالسکنی وعده داد بشرط اینکه حسن بن زیدرا ترك کند. احمد بااین کارموافقت کرده باهمدیگرطبرستان را اشغال کردند. اول اردیبهشت ۲۶۰/اکتبر-نوامبر ۸۷٤ باهم بساری آمده باحسن بن زید به نبردپرداختند. حسن تا رویان فرار کرد. یعقوب بن لیث تا کجو پایتخت رویان پیش رفته دستور داد مالیات دوساله از اهالی گرفته شود. سپس لیث بن فنا[۲] را حاکم رویان، پادوسبان[۳] را حاکم طبرستان و قاسم بن مسلم الخراسانی[٤] را که ازجملهٔ اشخاصی بود که ویرانی کار آورده بودند حاکم چالوس کرده خود به آمل رفت. ساکنین چالوس بحاکم جدید هجوم آورده قصر اورا آتش زده اطرافیانش را کشتند. یعقوب فوری خود را بدانجا رسانده رویان را زیر و رو کرد و ازراه ناتل بکردآباد رفته بزور از ساکنین جلگه مالیات دوساله گرفت. پس از چهارماه اقامت درطبرستان ازراه قومس خود را از ساری بهری رسانده علویان را که در زندانش بودند آزاد کرد. بعد حسن بن زید فرمانروای طبرستان و گرگان شد. این وقایع در ۸۷۷-۸۷٦/۲٦۳ بوقوع پیوست.

حکام طاهریان

۵۸- شاری، ۸۷۷-۸۷٦/۲٦۳ (رفرانس مفقود).

شاری نمایندهٔ طاهریان در حدود ۸۷۷-۸۷٦/۲٦۳ در گرگان مستقر شد و غنیمت عظیمی از آنجا بدست آورده بخراسان برگشت.

۱- رك: اسفندیار، ۱۷۹، ۱۸۰.

۲- رك: اسفندیار، ۱۷۰،۱۷۱، ۱۷٦، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸٤.

۳- رك: رابینو، مجلهٔ آسیائی، سال ۱۹۳٦، ٤٤٦.

٤- ظهیرالدین بجای قاسم بن مسلم ابراهیم بن مسلم قید کرده است.

۵۹ـ رافع بن هرثمه، ۸۹۶ـ۸۹۵ـ۸۸۶ـ۸۸۵/۲۸۲ـ۲۷۲ (اسفندیار، ۱۹۳ـ ۱۸۸، ۲۳۸ وظهیر، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۹۹ـ۲۹۵ وطبری، ۳، ۲۱۵۱) .

پس از آنکه رافع بن هرثمه نمایندهٔ عبدالله بن طاهر در خراسان شکست یافت بگرگان پناه برد . قبل از مراجعت بخراسان ایالت گرگان را به‌محمد بن زید واگذار کرد .

در ۸۸۶ ـ ۲۷۲/۸۸۵ مجدداً طبرستان را اشغال کرد ولی شورشهائی که در خراسان بوقوع پیوست‌ویرا مجبور کرد که به‌نیشابور رود. در۸۹۱ـ۲۷۷/۸۹۰ماویرا دوباره درطبرستان می‌یابیم ومحمدبن هرون نمایندهٔ وی درچالوس بوده است[1] مدتی بعد رافع اسپهد رستم‌بن شروین را بزندان انداخت وقلمرو اورا به‌ابوناصرالطبری واگذاشت. در رمضان ۲۸۲/اکتبر-نوامبر ۸۹۵ رستم در زندان درگذشت. درهمان سال رافع بجنگ عمروبن لیث رفت ولی‌شکست‌خورده‌به‌خوارزم فرار کرد ودرآنجا بدست اهالی گرفتار شده سرش را بریدند .

ب ـ حکام‌سامانی

۶۰ـ محمدبن هرون، ۹۰۱ـ۹۰۰/۲۸۹ـ۲۸۷ (اسفندیار، ۱۹۷-۱۹۰ وظهیر، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲ وطبری، ۳، ۲۲۰۰ و۲۲۰۱) .

اسمعیل‌بن احمد سامانی محمدبن هرون را با لشگری بجنگ محمدبن‌زید بطبرستان فرستاد . وی در ۵ شوال ۳/۲۸۷ اکتبر ۹۰۰ در نزدیکی شهرگرگان بقتل رسید. محمدبن هرون درتیرماه ۹۰۰/۲۸۷ وارد آمل شده یکسال وشش ماه در طبرستان حکومت کرد .

پس از آنکه احمدبن اسمعیل سامانی فتح خراسان را تمام کرد می‌خواست طبرستان‌را نیزمتصرف‌شود. محمدبن هرون‌بوی‌تسلیم نشده بدیلم فرار کرد . مدتی

۱ـ رك: اسفندیار، ۱۹۷ـ۱۹۰ وظهیر، ۲۹۶، ۲۹۹ .

پس از ورودش بآمل احمدبن اسمعیل بخششی برعایا کرد که ما در بند پائین از آن صحبت می کنیم .

فارس حاکم سامانی گرگان باحیله به‌محمدبن‌هرون‌دست‌یافته به‌بخارا فرستاد وی در آنجا بحصار انداخته شد تااینکه از گرسنگی درگذشت .

٦۱ــ احمدبن اسمعیل سامانی[1]، ۲۸۹ــ۲۸۸/۹۰۰ (اسفندیار، ۱۹۹ــ۱۹۵، ۲۰۱ وطبری، ۳، ۲۲۰۸) .

پس ازفرارمحمدبن‌هرون، احمدبن‌اسمعیل‌بآمل آمده‌عادلانه درآنجاحکومت کرد. بطوری که این طرزعدالت تاآن‌موقع‌درطبرستان‌سابقه نداشت. او اموال‌اعیان واشراف را که علویان درپنجاه سال اخیر گرفته بودند بخودشان مسترد داشت . این جریانات درحدود آخر سال ۲۸۸ و آغاز ۲۸۹/آخر/۹۰۰ واقع شد .

٦۲ــ ابوالعباس‌عبدالله‌بن محمدبن‌نوح، ۹۱۰ــ۹۰۹ــ۹۰٦ــ۹۰۵/۲۹۷ــ۲۹۳ (اسفندیار ۱۹۹ــ۱۹۵) .

اسمعیل سامانی پسرش احمد وعموزاده‌اش ابوالعباس عبدالله را بجنگ ناصر کبیر علوی[2] که تازه پرچم شورش بلند کرده‌بود فرستاد. ناصر درفلاس‌شکست‌خورده دوهزار نفر دیلمی را از دست داد. اسمعیل ابوالعباس را بعنوان حاکم در طبرستان گذاشته راه عراق را درپیش گرفت. در۹۰۷ــ۹۰٦/۲۹٤ احمد بجای پدرش اسمعیل نشست وچون ازعبدالله متنفر بود دوسال و چندماه بعد ویرا عزل ودر ۹۱۰ــ۹۰۹/ ۲۹۷ ترکی بنام سلام را بجای او فرستاد .

٦۳ــ سلام‌ترك، ۹۱۰/۲۹۸ــ۲۹۷ (اسفندیار، ۱۹۷، ۱۹۸) .

وی‌درجمادی‌الاول ۲۹۷/ژانویه‌ـ فوریهٔ ۹۱۰ به‌آمل رسید ومدت ۹ ماه و ۲۲

۱ــ دائرةالمعارف، ٤، صفحهٔ ۱۲۷ .

۲ــ وی ابومحمدالحسن‌بن علی نامیده می‌شد و به‌حسن‌الاطروش مشهور بود . رك: رابینو، مجله آسیائی، سال ۱۹۲۷، ۲۵۵ .

روز حکومت کرد. ولی بعلت مالیاتهای گزافی که ازرعایا گرفته‌می‌شد شورش کرده ویرا از شهر راندند.

٦٤ـ ابوالعباس احمدبن‌نوح سامانی، ۹۱۰/۲۹۸ (اسفندیار، ۱۹۸، ۱۹۹).

پس از واقعه‌سابق‌الذکر ابوالعباس احمد حاکم‌طبرستان‌شده‌پسرش‌ذوالریاستین نیز ویرا همراهی کرد. دراین زمان روس‌ها دوبار درطبرستان ناوهای خود را پیاده کردند ولی دفعهٔ دوم کشتی‌هایشان بوسیلهٔ شیروانشاه شاه خزرها غافل گیر و تخریب شد.

در ۲۹۸/اکتبر ۹۱۰ ابوالعباس درگذشته ابوضرغام احمدبن‌القاسم در ساری جانشین او شد.

٦٥ـ محمدبن صعلوك، ۹۱٤ـ۹۱۰/۳۰۱ـ۲۹۸(اسفندیار،۱۹۹، ۲۰۰،۲۰٤، ۲۱٤ وظهیر، ۱۷۲، ۳۰۳، ۳۱۰).

محمدبن صعلوك که در ری بود بجای ابوالعباس احمدحاکم‌سامانی‌طبرستان شد. ساکنین بَجَم[1] ومَرْز وتمام گیل‌ها و دیالمه دور ناصر کبیرعلوی را گرفتند. ناصر به‌پسرش‌ابوالحسین احمد مأموریت داد که مُهیم حاکم سامانی را از رویان براند. ناصر کبیردرجمادی‌الاخر۳۰۱/ژانویه‌۹۱٤تاچالوس‌پیشرفته ابوالوفاخلیفة‌بن نوح را زندانی وپادگان خراسان را قتل عام وحصارهای‌شهررا خراب کرد.درنتیجه محمدبن هرون بری فرار کرده مأموریت حکومت خود را درآنجا انجام داد.

٦٦ـ محمدبن عبدالعزیز، ۹۱٤/۳۰۱ (اسفندیار، ۲۰۱).

هنگامی که خبر این وقایع به‌بخارا رسید احمد سامانی محمدبن عبدالعزیز را برای رفتن به‌طبرستان تعیین کرد ولی چهل روز پس ازورود خود، محمد از ناصر کبیر که قدرتش درطبرستان تفوق یافته بود شکست خورد.

۱ـ فَجَم یا بَجَم. کوهستانات واقعه در جنوب چالوس.

۶۷ـ الیاس بن الیسع سغدی، ۹۲۱ـ۹۲۰ـ۹۲۰ـ۹۱۹/۳۰۸ـ۳۰۷ (اسفندیار، ۲۰۱، ۲۰۷).

ناصر بن احمد سامانی که بجای پدرش نایب السلطنهٔ خراسان شده بود الیاس بن الیسع را باده هزار مرد مأمور ورود بطبرستان کرد. بعد از یك نبرد مبهم در ساری الیاس بگرگان عقب نشسته طبرستان را در دست ناصر کبیر گذاشت. چون درحدود سال ۳۰۸/۹۲۱ـ۹۲۰ الیاس بن الیسع از تخلیهٔ گرگان ممانعت می کرد سیدحسن بن قاسم داعی کبیر بوی حمله کرده او را بکشت.

۶۸ـ قراتکین ترك (اسفندیار ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۳ وظهیر، ۱۷۳).

قراتکین با ۳۰۰۰۰ سوار برای گرفتن انتقام الیاس بن الیسع بگرگان فرستاده شد. سید ابوالحسن و برادرش ابوالقاسم جعفر موفق شدند که اشغالگر را از طبرستان برانند.

این دو سید تا روزی که احمد طویل[1] از بخارا به جنگ آنان فرستاده شد گرگان را دردست گرفتند اما اورا در جنگ شکست دادند. لشکر احمد متفرق شده تنها به بسطام فرار کرد.

۶۹ـ ابوعلی بن احمد بن محمد المظفری، ۹۴۰ـ۹۳۹/۳۲۸ (اسفندیار، ۲۱۸).

وی درمحرم ۳۲۸/ اکتبر ـ نوامبر ۹۳۹ از طرف ناصر بن احمد سامانی فرستاده شد. مدت هفت ماه با ماکان بن کاکی[2] بجنگید تا این که وی را شکست داده از گرگان براند.

پایان قسمت دوم

۱ـ ماسکه هائی از سامانیان دردست داریم که درآمل در ۳۰۲ AR ۳۴۱، AV و ۳۵۷، AR ۳۵۳ زده شده است. رك: واسمر، دائرةالمعارف، ۳، صفحهٔ ۴۹۱.

۲ـ رك: اسفندیار، ۲۰۷.

۳ـ ماکان بن کاکی، رك: رابینو، روزنامهٔ آسیائی، سال ۱۹۲۷، ۲۵۷.